

تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی سوریه و عراق

بهرام عجملو

کارشناسی ارشد روابط بین الملل

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی و شناخت جایگاه، ارکان و شواهدی از تجزیه و تحلیل‌های توطئه باورانه در فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه بویژه فرهنگ سیاسی سوریه و عراق بود. در این باره سه سوال مطرح و سعی شد به آنها پاسخ داده شود. در پاسخ به سوال اول به تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی و همچنین به تعریف تئوری توطئه به عنوان مؤلفه مهمی از فرهنگ سیاسی اشاره شد. بر اساس تعریف ارائه شده از تئوری توطئه به عنوان چارچوب تک علتی تحلیل وقایع و حوادث، ارکان سه گانه آن یعنی توطئه گران، توطئه باوران و مبانی و مفروضات توطئه باوری با بیان مصادیق اشاره شد. در پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی داشته، ارکان و علل رشد و رواج آن چیست؟ ابتدا مؤلفه های فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) همچون استبداد، بی اعتمادی، بیگانه ستیزی، فردمحوری و تئوری توطئه توضیح داده شد و سعی گردید ضمن اشاره به علل این پدیده از نگاه صاحب نظران آن تشریح شود. در پاسخ به سوال سوم مبنی بر اینکه «ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) کدامند؟» با توجه به ارکان سه گانه مذکور برای تئوری‌های توطئه، سعی شد به تعدادی از توطئه گران با این منطقه با ذکر شواهد اشاره شود. در این باره این نتیجه حاصل شد که آمریکا، رژیم صهیونیستی و بریتانیا از جمله توطئه گران اصلی در تحلیل‌های توطئه باورانه منطقه خاورمیانه و بخش عربی آن محسوب می شوند. درباره مصادیق توطئه باوران نیز به شواهد گوناگونی در بین نخبگان سیاسی و سایر افراد و همچنین به مبانی تحلیل و مفروضات خاص این گونه تئوری‌های توطئه اشاره شد.

واژه‌های کلیدی: تئوری‌های توطئه، توطئه در سوریه، توطئه در عراق، تئوری‌های توطئه خاورمیانه

۱. مقدمه

خاورمیانه از نخستین خاستگاه های تمدن بشری در جهان و دارای اهمیت و جایگاه مهم و حساسی در معادلات بین المللی است. این منطقه اهمیت خود در سیاست جهانی را مدیون موقعیت جغرافیایی خود، به عنوان پلی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. مناطق مهمی چون کانال سوئز، دریای سرخ و خلیج فارس نیز در این منطقه قرار گرفته اند. به علاوه این منطقه دارای ثروت ها و منابع غنی زیرزمینی و انرژی بویژه نفت و گاز است. برخورداری خاورمیانه از چنین جایگاه استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی موجب شده است که در طول تاریخ مورد کانون توجه و عرصه جولان قدرت های بزرگ بوده است. تلاش این گونه قدرت ها برای تصاحب منابع و ثروت های این منطقه موجب حضور، سیطره و رقابت ها و کشمکش های طولانی و دامنه داری بوده و به نوبه خود تأثیر به سزایی در فرهنگ و سیاست ساکنان این منطقه به دنبال داشته است. از جمله آثار حضور این گونه قدرت های فرامنطقه ای را می توان در شکل گیری و جهت گیری فرهنگ سیاسی این جوامع مشاهده کرد. فرهنگ سیاسی و عناصر آن بر فکر و اندیشه و رفتار سیاسی مردم تأثیر بسیار دارد. فرهنگ سیاسی هر کشوری دارای مؤلفه هایی است که در بین آنها مؤلفه تئوری توطئه جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. این مؤلفه از جمله مؤلفه های مشترک فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه بویژه بخش عربی آن است. رشد و رواج تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه ناشی از علل و عوامل مختلف و دارای پیامدها و نتایج مهمی در عرصه سیاسی و اجتماعی این جوامع است (Josef & Zonis, ۱۹۹۴).

این مؤلفه در قالب دشمن سازی های خیالی کارکردهای خاص خود را دارد. از جمله آنها می توان به مواردی نظیر تحریک افکار عمومی علیه دیگری، کسب حمایت افکار عمومی داخلی، سرپوش گذاشتن بر مشکلات داخلی، تهییج و تقویت نیروهای خودی، انحراف اذهان، هویت سازی و احیاء هویت های فرو پاشیده و... اشاره کرد (Hafeznia, ۱:۲۰۱۰). تئوری های توطئه در خاورمیانه به نوبه خود دارای اجزاء، ارکان، شواهد و مصادیق بارز و متنوعی هستند (Pipes, ۱۹۹۸). شناخت این گونه تجزیه و تحلیل ها در ابعاد نظری و عملی دارای اهمیت زیادی است. با توجه به کثرت کشورهای خاورمیانه از یک سو و خلاء تحقیقاتی موجود از سوی دیگر، این مقاله بر آن است که ضمن بیان جایگاه مؤلفه توطئه باوری در کشورهای خاورمیانه عربی، ارکان و شواهدی از آن را در این کشورها مورد شناسایی و بررسی قرار دهد. در این ارتباط سه سوال زیر مطرح و مورد بررسی واقع شده است:

۱. مفهوم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی و تئوری های توطئه چیست؟
۲. مؤلفه تئوری های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی دارد؟
۳. ارکان تئوری های توطئه در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) کدامند؟

۲- مباحث نظری

سوال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه مفهوم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی و تئوری توطئه چیست؟ در پاسخ به این سوال ابتدا تعریف و مفهوم فرهنگ سیاسی، تئوری توطئه و سپس مبانی نظری آن دو به اختصار توضیح داده می شود:

۲-۱- مفهوم فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی نخستین بار بعد جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۶ از سوی «گابریل الموند» در علوم سیاسی مطرح شد. از نظر وربا و آلموند، فرهنگ سیاسی در بر گیرنده جهات و گرایشات سیاسی افراد به سوی نظام، احزاب و فعالیت های سیاسی است (Obeidi, ۸:۲۰۰۱). از نظر آلموند فرهنگ سیاسی یعنی آن الگو و مدلی که در هر نظام سیاسی وجود دارد و با توجه به آن هدایت به سمت اعمال سیاسی انجام می گیرد. فرهنگ سیاسی را می توان آن نظام عقاید تجربی، نهادهای معنوی و ارزش هایی که نقشی در به وجود آمدن شرایطی که منجر به فعالیت سیاسی دارند، تعریف کرد (Mosallanejad, ۲۰۰۷: ۷). فرهنگ سیاسی شامل سه نوع فرهنگ های سیاسی سنتی، تبعی و مشارکتی است. در فرهنگ سیاسی سنتی یا محدود شهروندان به شکل مبهمی از وجود حکومت مرکزی مطلع هستند. در فرهنگ سیاسی تبعی، انفعالی یا انقبادی، شهروندان به عنوان اتباع حکومت نه به عنوان شرکت کنندگان در فرایند سیاسی در نظر گرفته می شوند (Vinker, ۱۸:۲۰۱۰). افراد نسبت به نظام سیاسی در این نوع از فرهنگ سیاسی حالتی از ترس را دارند و معتقدند که قادر به مشارکت در عملکرد آن نیستند، لذا حالتی انفعالی دارند (۵۲:۱۹۹۷-۵۳ Berteran). این نوع از فرهنگ ریشه در سنت ها داشته و به محدود کردن سطح مشارکت مردم در امور سیاسی و نوعی استبداد و دیکتاتوری در رفتار حاکمان با مردم گرایش دارد. لذا در سطح پایینی نسبت به دیگر فرهنگ های سیاسی قرار دارد (Ghalandari, ۱۹:۲۰۱۱). در فرهنگ سیاسی مشارکتی با فعال شهروندان باین معتقدند که آنها هم می توانند سیستم را تحت تأثیر قرار دهند و متقابلاً تحت تأثیر قرار گیرند (Vinker, ۱۸:۲۰۱۰). این نوع فرهنگ بر اراده شهروندان و احقاق حقوق و تکالیف شان در تصمیمات سیاسی استوار است (۵۲-۵۳:۱۹۹۷ Berteran). فرهنگ سیاسی مشارکتی در سطح بالائی از دیگر فرهنگ ها قرار دارد و بر خلاف فرهنگ سیاسی محدود یا سنتی خاص جوامع امروزی و مدرن است.

۲-۲- تعریف تئوری توطئه

واژه توطئه به معنای با هم نفس کشیدن است. با وجود اینکه تعریف دقیقی از این واژه ارائه نشده اما معمول است که یک توطئه را حوادث و رخدادهایی دانند که در برگیرنده دو یا چند توطئه گر بوده که با هم و به صورت پنهانی، برای دستیابی به یک هدف ممنوع شده و غیر قانونی در جهان واقعی فعالیت

می‌کنند. لذا توطئه‌ها روی می‌دهند و قابل دیدن و لمس کردن هستند (Pipes, ۹:۱۹۹۸-۱۰). تئوری توطئه دارای تعاریف متعددی بوده و ترجمه تحت اللفظی واژه Conspiracy Theory است. تئوری توطئه در واقع تحلیل تک علتی از وقایع، حوادث و رویدادهای مبتنی بر توطئه است که عامل وقوع این گونه حوادث، عناصر پشت پرده و دست‌های پنهان است. لذا در تفاوت توطئه و تئوری توطئه باید بیان داشت که توطئه، برنامه‌ریزی پنهانی و اقداماتی که با اتکا به طرق غیر قانونی، غیر اخلاقی و معمولاً غیر مسالمت آمیز صورت می‌گیرد و هدف از این اقدامات پیشبرد اهداف و مقاصد فردی، گروهی و یا ملی به بهای لطمه زدن به منافع و حقوق دیگران است که از این عمل با واژه‌های مترادفی نظیر طرح پنهانی، توطئه چینی، تباہی، دسیسه و... یاد می‌شود. ولی تئوری توطئه چارچوبی از تجزیه و تحلیل وقایع است که طبق آن دست‌های پنهان و نقشه‌های پلید در وقوع حوادث و رخدادها از سوی توطئه‌گران دخیل است (۵۰-۲۰۰۲: Ghaffari Hashjin). در این مقاله از تئوری‌های توطئه به تعبیر یکسان تحلیل‌های توطئه باورانه نیز یاد می‌شود.

۲-۳- ارکان تئوری توطئه

تئوری توطئه دارای سه رکن اساسی توطئه‌گران، توطئه باوران و مبانی تحلیل و مفروضات است. توطئه‌گران به کشورها، افراد، گروه‌ها و قدرت‌هایی اطلاق می‌شود که نقش توطئه چینی و توطئه‌گری را در تئوری‌های توطئه را بر عهده دارند. توطئه‌گران در هر گروه، جامعه و ملتی دارای اهداف و ارزش‌هایی عمیقاً مغایر با دیگر اهداف آن گروه، جامعه و ملت هستند (۴۴۴-۴۴۵:۱۹۹۴ Zonis & Craig). این توطئه‌گران بنا به توانایی و قلمرو نفوذ خود می‌توانند محلی، منطقه‌ای و جهانی باشند. توطئه باوران به افراد، گروه‌ها و کانون‌هایی گفته می‌شود که در تفسیر و توضیح پدیده‌ها و اتفاقات بر یک عامل (توطئه) تأکید دارند و حوادث را ناشی از توطئه‌پردازی و توطئه چینی توطئه‌گران می‌پندارند. بر این اساس نیز انواع گروه‌ها و افراد توطئه‌گر وجود دارد (۴۴۵-۴۴۴:۱۹۹۴ Craig & Zonis) در مبانی تحلیل و مفروضات تئوری توطئه، باید بیان داشت که افراد دچار توهم و توطئه به یک سری شواهد به طور نامعقول چسبیده و از آن به طور نامنعطفی دفاع می‌کنند. تجزیه و تحلیل‌های افراد توطئه باور به نوعی ابطال ناپذیر بوده و معمولاً تبیین‌هایشان سریع و فوری است. فرد دچار توهم به طور معمول شواهدی را که ممکن است تئوری را درهم بریزد، قبول نکرده و به شواهدی پراکنده و غیر مستند تمسک می‌جوید (۲۰۰۵:۱۴-۲۵ Ghaffari Hashjin).

در تجزیه و تحلیل‌های توطئه باورانه فرضیاتی وجود دارد که طبق آن توطئه باوران به تجزیه و تحلیل امور می‌پردازند: این فرضیات شامل: ۱- هیچ چیز تصادفی رخ نمی‌دهد؛ ۲- به طور معمول اعضای اقلیتی که به دنبال نفوذ و سودند، به طور محتاطانه‌ای در پس زمینه می‌مانند و دستی در کار دارند؛ ۳- هیچ چیز آنطور که به نظر می‌رسد، نیست؛ ۴- تاریخ محصول توطئه است و ۶- هدف به دست آوردن قدرت، پول و

شهرت است (Pipes, ۲۵۷:۱۹۹۸-۲۵۸). با توجه به توضیحات مذکور ارکان تئوری توطئه در قالب جدول شماره ۱ و مبانی و مفروضات توطئه باوری در قالب شکل شماره ۱ قابل جمع بندی و نمایش است:

جدول شماره ۱: ارکان تئوری های توطئه

ارکان	توطئه‌گران	توطئه‌باوران	مبانی و مفروضات
تعریف	افراد، گروهها و کشورهای که در این تئوری‌ها به توطئه و دسیسه‌چینی می‌پردازند.	افراد و گروههایی که به نقش توطئه‌باوران به‌عنوان تنها عامل وقوع اتفاقی خاص در تئوری‌های توطئه باور دارند و به این‌گونه تحلیل‌ها دامن می‌زنند.	کلمات، واژه‌ها، گزاره‌ها و عبارتهایی است که به‌واسطه آن تئوری‌های توطئه ساخته و پرداخته و ارائه می‌شوند.



شکل شماره ۱: مبانی و مفروضات اساسی توطئه باوری

۳- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله از نوع مطالعات اسنادی است. اسناد مورد استفاده شامل کتاب های مقالات و سایر منابع فارسی، عربی و لاتین مرتبط با موضوع تحقیق است. جامعه پژوهش نیز شامل کلیه منابع موجود و مرتبط قابل دسترس با تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی است. در این مقاله سعی شده تا مطالب مرتبط با موضوع فیش برداری و در راستای هدف پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین در پژوهش حاضر به دلیل محدودیت‌های موجود، نمونه گیری انجام نگرفته و کلیه منابع و مراجع قابل دسترس مورد بررسی و

تحلیل اسنادی قرار گرفته اند. از این رو، ابزار پژوهش تحقیق فرم های فیش برداری بوده و داده های حاصل نیز با استفاده از تکنیک های تحلیل کیفی؛ جمع آوری، طبقه بندی و تحلیل شده است.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱ - تئوری توطئه مؤلفه ای از فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی

در پاسخ به دومین سوال پژوهش که مؤلفه تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی دارد؟. به مؤلفه های اساسی فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی با تأکید بر سه کشور سوریه، عراق و مصر اشاره شده و سپس جایگاه تجزیه و تحلیل های توطئه باورانه در میان این مؤلفه ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴-۲ - مؤلفه های فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی

معمولاً فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه ترکیبی از انواع فرهنگ های سیاسی است. در بعضی دیگر از کشورهای این منطقه بویژه بخش عربی آن با توجه به تقسیم بندی های مورد اشاره درباره فرهنگ سیاسی، می توان فرهنگ سیاسی تبعی را مشاهده کرد. در این فرهنگ سیاسی مردم در فرایندهایی که بر تصمیمات سیاست مؤثر هستند، شرکت ندارند. از نظر المغربی زندگی اجتماعی اعراب در چارچوبی از زنجیره اقتدار و روابط تبعیت میان پدر و فرزندان، برادران و خواهران و جوانان و پیرها شکل می گیرد. این مسئله در رابطه میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان نیز ادامه می یابد. این مهم برای افراد به منظور پذیرش هرگونه نظام اقتدارگرایانه طبیعی می شود (Obeidi, ۱۶:۲۰۰۱-۱۷). برخی از مؤلفه های فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی عبارتند از: استبداد به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) به معنی نوعی فضای ظالمانه است که در آن از کارگزاران و شهروندان تنها اطاعت محض مورد انتظار است. اعمال خشونت از سوی حکومت نسبت به مردم به وضوح در سیاست خاورمیانه عربی مشهود است (Pipes, ۱۹۹۸:۲۶-۲۸). از ویژگی های استبداد حاکم در خاورمیانه عربی که منجر به تبدیل شدن آن به عنوان یکی از مؤلفه های فرهنگ سیاسی این منطقه شده است، می توان به شخصی بودن قدرت، غیر رسمی بودن سیاست، ستیز متوازن، نظامی گری و... اشاره کرد (۱۶۹:۱۹۹۶ Noroozi,). که به دنبال خود فقدان آزادی های فردی و اجتماعی در این گونه کشورها را به دنبال دارد (Svec, ۳:۲۰۰۷).

۴-۲-۱- بی اعتمادی

یکی آسیب های اجتماعی مهم، تضعیف هنجارهای اخلاقی و رشد بی اعتمادی در جامعه است. پدیده بی اعتمادی از دهه ۱۹۷۰ میلادی در بسیاری از جوامع و دولت های منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) به

واسطه اعمال و کارنامه نظام‌های سیاسی حاکم تشدید شد که در تأمین رفاه و تحقق وعده‌های خود موفق نبودند. از نشانه‌های بی‌اعتمادی می‌توان به رواج و رسمیت یافتن دروغ در مناسبات و روابط اجتماعی، افزایش سوگند در گفتمان‌ها، فردگرایی، تظاهر و ریا، گزافه‌گویی و... اشاره کرد. از جمله عوامل مؤثر در رشد حس بی‌اعتمادی در این منطقه می‌توان مواردی نظیر شکاف میان دولت و جامعه، مهیا نبودن شرایط برای مشارکت بیشتر مردم، اشاره کرد (Gray, ۱۶۷-۲۰۱۰: ۱۶۵). لذا بسیاری از اعراب دارای این حس مشترک هستند که هیچ توانایی و تأثیر بر سرنوشت خود ندارند (Eisa, ۲۰۱۰).

۲-۲-۴ - بیگانه ستیزی

بیگانه ستیزی از مؤلفه‌های دیگر فرهنگ سیاسی خاورمیانه عربی است. سلطه و نفوذ قدرت‌های استعماری در این منطقه سابقه دیرین و روشنی دارد. تسلط بر این منطقه حساس برای کشورهای استعمارگر غربی دارای منافع گوناگون از جمله منافع اقتصادی بوده است. به همین دلیل بسیاری از شرایط مساعد و توانایی‌های بومی این جوامع برای دخالت در تعیین سرنوشت خود، در سطوح محلی و ملی به تحلیل برده شده است. این قدرت‌های سلطه گر نه تنها به کنترل فیزیکی بر منطقه، بلکه بر نفوذ خود در زمینه عقاید و دیدگاه‌های سیاسی هم تأکید داشته‌اند (Gray, ۱۰۷: ۲۰۱۱). بر این اساس غرب در میان نخبگان سیاسی و سایر افراد خاورمیانه عربی به عنوان «نماد بیگانه بودن» مطرح و این ویژگی حس بیگانه ستیزی را در میان مردمان منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) ایجاد و تشدید کرده است.

۴-۲-۳ - فردمحوری

در فردمحوری به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی، توجه به فرد و منافع فردی در کانون توجه قرار دارد. از ویژگی‌های فردمحوری می‌توان به بی‌تفاوتی به مسائل پیرامون جمعی و تنها توجه به اهداف شخصی اشاره کرد. در فرهنگ سیاسی کشورهای منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) ویژگی‌های آمریت، فردمداری و اقتدارگرایی نهادینه شده است. در کشورهای عربی، حکومت بر حوزه عمومی جامعه سیطره کاملی دارد. لذا مردم گرایش بیشتری به سوی حوزه شخصی و خصوصی زندگی خود پیدا کرده‌اند. این امر منجر به تفرقه و بروز نوعی بی‌هویتی در میان آنان شده است.

۴-۲-۴ - تئوری توطئه

از جمله مؤلفه‌هایی که بخش مهمی از فرهنگ سیاسی این منطقه را تشکیل می‌دهد، تئوری توطئه است که در آثار بسیاری که از نویسندگان عرب یا متخصصان این منطقه انعکاس یافته است (Gray, ۲۹: ۲۰۱۰). تئوری توطئه در حقیقت چهار چوب و پارادایمی در تجزیه و تحلیل وقایع، حوادث و پدیده‌های حیات بشری است که بر اساس آن وقایع و حوادث بر اساس یک علت، یعنی توطئه تجزیه و تحلیل می‌شوند و

نگاه جامع و تحلیل واقع بینانه راجع به تحلیل و تبیین حوادث به کار گرفته نمی‌شود (Ghaffari, ۲۰۰۵, Hashjin). مؤلفه تئوری توطئه در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف کم و بیش دیده می‌شود (۱۹۹۴a Pipes), ولی در خاورمیانه عربی این پدیده شایع تر بوده و در این منطقه از جهان به میزان زیادی گسترش یافته است (۲۵۲-۱۹۸۴:۲۳۳, Brown, ۴۵۹ - ۴۴۳: ۱۹۹۴, Zonis & Craig).

بنا به تعبیر مطالعه خاورمیانه و کشورهای عربی بدون توجه به تئوری توطئه و تجزیه تحلیل‌های توطئه یاورانه، شبیه مطالعه اقتصاد کشور آمریکا بدون توجه به نقش وال استریت و بررسی سیاست اتحاد جماهیر شوروی بدون توجه به مکتب مارکسیسم - لنینیسم است (۱-۶: ۱۹۹۸, Pipes). این گونه تجزیه و تحلیل‌ها درباره مسائل و اتفاقات ریز و درشت این منطقه مشاهده می‌شود و می‌توان شواهدی از آن را از مسائل خصوصی زندگی افراد گرفته تا حرکت‌های انقلابی و بیداری اسلامی اخیر این منطقه ملاحظه کرد (۲۰۱۰, Eisa).

این مؤلفه در کشورهای مختلف منطقه خاورمیانه از جمله بخش عربی آن به میزان متفاوتی مشاهده می‌شود که بر اساس آن وقایع و رخدادهای جهان بر اساس عامل توطئه، تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌شود (۲۰۱۰, Gheisas). با توجه به اهمیت موضوع، صاحب نظرانی سعی و تلاش کرده اند که درباره این پدیده و علل رشد و رواج آن در خاورمیانه اظهار نظرهایی بکنند که از جمله آنها می‌توان به افرادی چون ماروین زونیس و ژوزف کراج، دنیل پاییز و متیو گری اشاره کرد ماروین زونیس و کراج در مقاله خود به علل رواج تئوری توطئه در خاورمیانه پرداخته اند. آنها در کنار عامل روانشناختی، به عواملی نظیر تنزل جهانی مسلمانان، نفوذ افکار اروپایی در میان مردم خاورمیانه، نظام‌های سیاسی استبدادی حاکم بر این منطقه و توطئه‌ها و دخالت‌های سلطه گرانه قدرت‌های خارجی به عنوان عوامل مؤثر بر رواج تئوری توطئه در منطقه خاورمیانه و کشورهای عربی اشاره کرده و برای عامل فرهنگی تأثیر کمتری قایل شده اند. از نظر زونیس و کراج در میان مردمان خاورمیانه عربی این تفکر وجود دارد که در پس هر حادثه و رخدادی دست پنهانی وجود دارد که در وقوع آن مؤثر است. در این میان امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها در معرض اتهام توطئه گری بیشتری قرار دارند. در این گونه جوامع به دلیل باز نبودن فضای سیاسی جامعه و عدم وجود جریان اطلاع رسانی شفاف، فقدان اطلاعات لازم و عدم حوصله و صرف وقت کافی برای تحلیل رویدادها، مردم از قدرت تحلیل صحیح و منطقی وقایع برخوردار نبوده و در نتیجه به تحلیل‌های توطئه باورنه روی می‌آورند (۱۹۹۴:۵, Craig & Zonis).

دنیل پاییز که در زمینه تئوری‌های توطئه خاورمیانه مطالعاتی انجام داده، معتقد است که توطئه باوری در خاورمیانه بویژه کشورهای عربی اثرات عمیقی در بر داشته است. به اعتقاد وی توطئه اندیشی و گسترش آن در خاورمیانه محصول دو قرن اخیر و ناشی از علل و عوامل تاریخی است. پاییز در تشریح این گونه عوامل به تسلط و حاکمیت قدرت‌های غربی در خاورمیانه و استمرار سلطه نظام‌های سیاسی استبدادی و همچنین به کثرت و تنوع انواع توطئه‌های واقعی در این منطقه اشاره می‌کند و اوج رشد توطئه باوری در خاورمیانه

و بخش عربی منطقه به سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۴۵ میلادی بر می گردد، یعنی زمان جنگ جهانی دوم به نظر او این گونه عوامل به نوبه خود به تئوری های توطئه دامن زده و آنها را در سطح گسترده ای شایع کرده است. او نقش علل و عوامل فرهنگی و روانشناختی را در این باره اندک می داند (Pipes, ۲۸۹-۱۹۹۸: ۲۹۵). متیو گری در کتاب خود با عنوان «تئوری توطئه در جهان عرب» به عواملی نظیر جهانی شدن، اصلاحات اقتصادی، ضعف در مشروعیت حکام، بروز جنگ در عراق، اختلاف میان اعراب و رژیم صهیونیستی، ظهور اسلام گرایی سیاسی، اینترنت، ماهواره و... در رشد تجزیه و تحلیل های توطئه باورانه اشاره کرده است. گری باور دارد که از دلایل رشد و رواج تئوری توطئه در خاورمیانه بویژه در بخش عربی آن می توان به وجود استعمار، حاکمان مستبد، بیگانه ستیزی و... اشاره کرد. به اعتقاد وی از نگاه برخی، وجود طلای سیاه (نفت) نیز بر رواج تئوری توطئه و تجزیه و تحلیل های توطئه باورانه نقش داشته است. از دیدگاه گری نگاهی به وقایع تاریخی و تحلیل و تفسیر آن، می تواند بستر و نقطه آغاز خوبی در بررسی تئوری توطئه و یافتن شواهد تاریخی برای آن باشد. او اعتقاد دارد که شواهد تاریخی پایه و چهار چوب مناسبی برای مطالعه این پدیده فراهم می کند و این گونه نیست که یک حادثه و رویداد تاریخی خاصی منجر به پیدایش تئوری توطئه شود. عوامل دیگری نیز نیاز است تا با ترکیب با یکدیگر به عنوان عاملی محکم در رشد و رواج تفکر توطئه باوری در خاورمیانه مؤثر واقع شود (Gray, ۲۹: ۲۰۱۰). در این میان برخی به عوامل خارجی و دخالت و سلطه قدرت های غربی بر خاورمیانه و جهان اسلام با ذکر مجموعه ای از شواهد تاریخی و نقش آن در شیوع توطئه باوری اشاره می کنند (Bigdeli, ۸۴: ۱۸۹۹). از جمله این حوادث مهم می توان به برخورد میان ارتش اروپا و محمدعلی شاه در مصر در قرن ۱۹ اشاره کرد که منجر به سقوط حکومت محمدعلی شاه در سال ۱۸۶۰ میلادی شد. کشمکش میان اعراب و صهیونیست ها و وقوع جنگ شش روزه، وقایع بعد از یازده سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق، مواضع و سیاست غربی ها درباره ایران و سوریه و جریان های انقلابی در کشورهای عربی و نمونه های دیگری از دخالت غرب در منطقه است که زمینه های رشد و رواج تئوری های توطئه را بیشتر فراهم کرده است (Abdel Salam, n. d: 89-90).

۴-۳- ارکان تئوری های توطئه در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق)

سومین سوال این پژوهش عبارت بود از اینکه ارکان تئوری های توطئه در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) کدامند؟ در تحلیل این ارکان ابتدا در این قسمت به دو رکن اساسی تئوری های توطئه خاورمیانه یعنی توطئه گران و توطئه باوران اشاره می شود و سپس در قسمت تجزیه و تحلیل مقاله به مبانی مفروضات این گونه تئوری های توطئه اشاره خواهد شد.

۴-۳-۱- توطئه گران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

الف: بریتانیا

بریتانیا همواره از گذشته‌های دور از توطئه گران اصلی نه تنها در این منطقه بلکه در جهان به شمار می‌آید. بریتانیا بعد از خاتمه جنگ جهانی اول با این هدف سلطه و نفوذ خود را در خاورمیانه عربی گسترش داد تا دولتی یهودی در فلسطین ایجاد کند. به عبارتی دیگر، این دولت به روشی غیر مستقیم ریشه بریتانیا را در خاورمیانه عربی تحکیم می‌کرد (Pipes, ۱۹۹۴a).

بریتانیا در زمان قیمومیت اش در خاورمیانه عربی به منظور توطئه گری و برای رسیدن به اهدافش با عاملان و کارگزاران توافق نامه‌ها و معاهده‌هایی را منعقد کرد. از جمله آنها می‌توان به معاهده سایکس - پیکو درباره تقسیم امپراطوری عثمانی و سرزمین‌های عربی اشاره کرد که در نهایت زمینه حاکمیت صهیونیست‌ها بر سرزمین فلسطینی‌ها را با سیاست و توطئه انگلیسی فراهم کرد (Gray, ۵۴:۲۰۱۰-۵۳). عاملان و دست نشانده‌گان بریتانیا، سیاستمداران عربی را مجبور ساختند تا سیاست‌ها و برنامه‌های آنها را اجرا کنند. وجود این میراث پنهان کاری و حيله گری انگلیسی به شدت زندگی سیاسی و اجتماعی مردم خاورمیانه عربی را تحت تأثیر قرار داده و آنان را نسبت به این کشور استعمارگر بدبین ساخته است (Pipes, 1994 a).

در این باره یکی از نویسندگان مصری معتقد است که هیچ فرد انگلیسی وجود ندارد که عمده اشتباه کند، چرا که او هر چیزی را مبتنی بر اصلی انجام می‌دهد؛ بر اساس اصول ملی گرایی با شما می‌جنگد؛ بر اساس اصول تجارت از شما دزدی می‌کند؛ بر اساس اصول سرمایه داری از شما بهره کشی می‌کند و بر مبنای تکبر و غرور شما را تهدید می‌کند (Ibid) به اعتقاد مصری‌ها سیاست مداخله، تحریک و توطئه انگلیسی اوضاع مصر دارای قدرت و تمدن را دچار انحطاط کرد (Pipes, ۳۰۰:۱۹۹۸).

بر این اساس در برخی از این گونه تحلیل‌ها به عنوان نمونه متهم اصلی در شیوع بیماری‌های واگیری چون وبا و مالاریا در بعد از جنگ جهانی دوم در مصر، انگلیسی‌ها هستند (Ibid). با توجه به پیشینه تاریخی منفی و همچنین همدستی بریتانیا با آمریکا در حمله به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳، ذهنیت توطئه باورانه نسبت به نقش آن کشور در وقایع و حوادث به شکل گسترده ای وجود دارد.

ب: رژیم صهیونیستی

از دیدگاه صاحب نظرانی همچون زونیس و جوزف، صهیونیسم یکی از کانون‌های اصلی توطئه گری در خاورمیانه محسوب می‌شود (Gosef & Zonis, ۴۵:۱۹۹۴). رژیم صهیونیستی همواره متهم به طراحی دسیسه چینی و توطئه علیه کشورهای عربی بوده است. با توجه به این پیشینه تاریخی، بسیاری از رویدادها و حوادث ناگوار در میان اعراب، به این رژیم نسبت داده می‌شود (Alkhazen, ۲۰۱۰). رژیم صهیونیستی همواره در وقایع مختلف منطقه دخالت داشته است و اعراب نیز در مقابل آن واکنش نشان داده‌اند.

جلوگیری از ناسیونالیسم عربی، مهار بنیادگرایی اسلامی، جلوگیری از نفوذ کمونیسم، اشغال سرزمین های فلسطینی (سواحل غربی رود اردن و غزه) بدرفتاری در قبال ساکنان منطقه و درگیری با جنبش های اسلامی در لبنان، اردن و یمن از جمله اقدامات توطئه گرانه رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) است (Pipes, ۱۹۹۲: ۴۲ - ۴۳).

بر این اساس صهیونیست ها در منظر اعراب خاورمیانه و در رسانه های آنها به شکل میمون، کرم، عنکبوت، خوک، کلاغ، اکتاپوس، گرگ و تروریست هایی به تصویر کشیده می شوند که قصد سلطه بر جهان را دارند و «پروتکل های شیوخ صهیون» به عنوان دلیلی بر این مدعا مطرح می شود (Pipes, ۱۹۹۸: ۱۴۶). بر اساس برخی از تحلیل های توطئه باورانه مصری، این گونه اظهار می شود که رژیم صهیونیستی با تولید و قاچاق میوه های پرورش یافته با اشعه، منجر به شیوع بیماری سرطان در میان مردم مصر شده است. همچنین در این گونه تحلیل های صهیونیست ها متهم هستند که با اعزام زنان مبتلا به ویروس ایدز به کشورهای عربی از جمله مصر به شیوع این بیماری و گسترش آن دامن زده اند (Pipes, ۲۰۱۰).

حتی در سال ۱۹۹۰ میلادی زمانی که محصولات گوجه فرنگی مصر دچار آفت و گندیده شد، این شایعه در میان مصریان پخش شد که وزیر کشاورزی مصر که نیمه یهودی است، با وارد کردن تخم های گوجه فرنگی نامرغوب از رژیم صهیونیستی در پی صدمه زدن به کشاورزی مصر بوده است (Pipes, ۱۹۹۹). به دلیل نقش رژیم صهیونیستی در دشمنی علیه سوریه، این امر حس ضد صهیونیستی را در میان نخبگان سیاسی و افراد عادی و به دنبال آن تحلیل های توطئه باورانه را تقویت کرده است. حافظ اسد، صهیونیست ها را به عنوان مهاجمانی معرفی می کند که تهدید کننده تمام ملت عرب و نژاد بشر هستند. این گونه تحلیل ها در زمان بروز بحران و آشوب در این کشور مثل کودتای فوریه سال ۱۹۵۶ و سایر حوادث مشابه تشدید شده است که نمونه های آن را می توان در سخنان نخبگان سیاسی وقت سوریه ملاحظه کرد (Pipes, ۱۹۹۸ & ۱۰۵ & ۲۵۶: ۵۹). اعراب منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) بر این باورند که در ماجرای دزدان دریایی سومالی، هرج و مرجها و درگیری های یمن و جنگ های طولانی شهری در آن، ستیز میان اقوام، مذاهب و گسترش سلفی گری در قرن بیستم و بیست و یکم ناشی از دست پنهان صهیونیست ها و آمریکایی هاست (Gray, ۲۰۱۰: ۲-۱).

بعد از سقوط برج های دو قلو در مرکز تجارت جهانی تئوری توطئه زیادی در جهان عرب ظاهر شد. در یکی از کانال های تلویزیونی حزب الله لبنان، المنار، در تاریخ هفده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی بیان شد که در حدود چهار هزار کارمند یهودی این برج در تاریخ یازده سپتامبر در محل کارشان حضور پیدا نکردند و این نفر اعلام گردید که آنها قبل این حمله از این ماجرا باخبر شده بودند. این تفکر هنوز در جهان عرب دیده می شود که در حادثه یازده سپتامبر هیچ قربانی اسرائیلی وجود نداشته است. اما طبق گفته های جرج دابلیو بوش، بیش از ۱۳۰ اسرائیلی در این حادثه هلاک شدند، مباحث توطئه باورانه ای در تعدادی از رسانه های جهان عرب در مورد به همراهی مستقیم رژیم صهیونیستی با سازمان اطلاعات خارجی خویش

(موساد) در حادثه یازده سپتامبر بیان شده و در بسیاری از این اخبار، تئوری توطئه به طور برجسته ای نمایان شده است (Ibid) صدام حسین همواره رژیم صهیونیستی را یکی از کانون های اصلی توطئه بر می شمرد. او دست پنهان و اقدامات شرورانه رژیم صهیونیستی را در پشت هر امر مذموم و عمل زشتی می دید. وقتی زلزله مهیب اکتبر ۱۹۹۲ قاهره رخ داد، مطبوعات عراق این حادثه را در چارچوب تجزیه و تحلیل های توطئه با روانه تحلیل کردند و آن را ناشی از اقدامات و آزمایش های هسته ای اسرائیل و آمریکا قلمداد کردند (Pipes, ۲۵۷:۱۹۹۸).

حمله به عراق و ایجاد اوضاع و شرایط آشفته در کشور از نظر جیم موران، یکی از اعضای کنگره آمریکا، به دلیل حمایت از اجتماع یهودیان و اسرائیلی ها بوده است. از نظر این فرد اگر این پشتیبانی نبود، هیچ گاه حمله به عراق صورت نمی گرفت. این جنگ و ایجاد شرایط آشفته در عراق نتیجه نفرتی بوده که یهودیان، مسیحیان، دست راستی ها، نظامیان و صنعتگران از جهان عرب داشته اند (McConnachie, ۴۲۴:۲۰۰۸). از جمله شواهدی که در زمینه تئوری توطئه در خاورمیانه بر سر زبان هاست، پخش آدامس هایی از سوی رژیم صهیونیستی در میان کودکان فلسطینی است. گفته شده که این آدامس ها دارای نیروی افزایش دهنده تحرک جنسی و جلوگیری کننده حاملگی بوده اند. مقامات فلسطینی باور به این مسئله داشته و نمونه هایی از این آدامس ها را به آزمایشگاهی در قاهره فرستادند و معتقدند بودند که این آدامس ها حاوی مقداری پروژسترون اند. این ماده محرک جنسی و عاملی در جلوگیری از بارداری است. در مقابل برخی ادعا می کنند که آزمایشات آمریکاییها این ادعا را رد کرده است (Pipes, ۱۹۹۸).

ج: آمریکا

در جنگ جهانی دوم آمریکا به عنوان یک بازیگر خارجی مهم در منطقه شناخته شد و در طول سالهای جنگ سرد و تاکنون، آمریکا نقش مسلطی را در خاورمیانه عربی بازی کرده است (Rich, ۲۳۸:۱۹۹۱). اعراب خاور میانه معتقدند که حکومت آمریکا به دنبال توطئه چینی برای تسلط و حاکمیت بر جهان است. هیچ منطقه ای در جهان به اندازه خاورمیانه عربی امروزی تحت توجه و دخالت آمریکا قرار نگرفته است و هرچه توسل به زور و یک جانبه گرایی از جانب آمریکا در منطقه خاورمیانه افزایش یافته است به همان میزان زمینه برای افزایش تعارض و بروز بحران و جو عدم اعتماد بیشتر شده است (Mottaghi, ۸:۲۰۰۸) و این امر نیز به نوبه خود به گسترش بدبینی و تحلیل های توطئه باورانه درباره آمریکا دامن زده است.

خاورمیانه عربی به عنوان منطقه ای با ذخایر و انرژی سرشار و موقعیت استراتژیک، همواره دارای جایگاهی ویژه در راهبردها و سیاست گذاری های ایالات متحده داشته است (Pipes, ۱۹۹۴b). وقوع رخداد یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱ میلادی، اشغال افغانستان و عراق و به دنبال آن طرح خاورمیانه بزرگ، بیش از پیش درهم تنیدگی منفعتی و امنیتی آمریکا را با منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) آشکار ساخت. تلاش برای تصاحب و تسلط بر منطقه نفت خیز خاورمیانه و تلاش برای مبارزه و کنترل جنبش ها و حرکت های اسلامی

و حمایت از رژیم صهیونیستی از جمله دلایل حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) است که نگاه ساکنان آن را نسبت به آمریکایی بدبین کرده و به نوبه خود به افزایش نقش توطئه گری آنها در تئوری های توطئه افزوده است. در این راستا طرح مواردی نظیر شبه هلال شیعه و به دنبال آن دامن زدن به مباحث شیعه هراسی با خلق دشمن موهوم و غیر واقعی را می توان از جمله تاکتیک های نوین آمریکا در خاورمیانه در جهت مشروعیت بخشی به اقدامات تجاوزکارانه آمریکا در منطقه تلقی کرد (۲۰۱۲: ۴۷ Javdani Moghadam).

در تحلیل های مربوط به شکست جمال عبد الناصر در جنگ شش روزه، آمریکا و بریتانیا ایفاگر نقش اصلی توطئه گری بودند (Pipes, ۱۹۹۹). همچنین درباره تلاش آمریکا در سال ۱۹۵۷ میلادی به منظور منحرف کردن جریان رود نیل به سمت دریای سرخ که باعث خشک شدن کشور مصر جمال عبد الناصر می شده، تجزیه و تحلیل های توطئه باورانه زیادی ارائه شده است (Pipes, ۱۴:۱۹۹۸-۱۸). از جمله تحلیل های توطئه باورانه عربی متهم کردن حافظ اسد به عنوان عامل آمریکا برای کنترل اوضاع منطقه به منظور رسیدن به اهداف بوده است. مثلا اظهار شده که حافظ اسد با گرفتن مبلغ ۱۲ میلیون دلار رشوه به منظور تقویت رابطه سوریه با حکومت آمریکا، از سال ۱۹۷۷ میلادی به عنوان یک عامل آمریکا به کار گرفته شد و نیز آمده که رژیم حافظ اسد همچون دیگر رژیم های عربی، پادوگران آمریکا هستند (Pipes, ۲۷۷:۱۹۹۸).

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ منجر به سقوط صدام شد و آثاری را برای مردم جهان و عراق به دنبال داشت. بعد از اشغال عراق توسط آمریکا به بهانه وجود اسلحه های بیولوژیکی، شیمیایی در این کشور و ایجاد فضای اختلاف، آشوب و بحرانی در عراق توسط اشغالگران بر رشد و گسترش تئوری های توطئه بسیار مؤثر بوده است (Tudge & McConnachi, ۴۰۸:۲۰۰۸). که در برخی موارد تفکیک توطئه های واقعی از غیر واقعی را از هم مشکل ساخته است. مثلا در برخی تحلیل ها در سال ۲۰۰۷ آمریکا به همراه نوری مالکی به قتل عام مسلمانان سنی مذهب متهم شده اند.

یا نمونه ای از این گونه تحلیل ها را می توان درباره تغییر پرچم عراق در اوایل سال ۲۰۰۸ مشاهده کرد، در اظهار نظری عنوان شد که تغییر عبارت دست نوشته «الله اکبر» توسط صدام، ناشی از توطئه و دست پنهان سعودی ها و بهائیان و عدم توجه به منافع مردم عراق بوده است (Gray, ۱۰۸:۲۰۱۰-۱۰۹). از نظر بسیاری از لبنانی ها، آمریکا در صدد استفاده از این کشور به عنوان دریچه نفوذ سهل الوصول برای دخالت در سوریه و توطئه گر اصلی در صحنه سیاسی لبنان و تحلیل های توطئه باورانه آن کشور است (۲۰۱۲ Hamadeh). چکیده ای از شواهدی از توطئه گران در تئوری های توطئه خاورمیانه عربی در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: شواهدی از توطئه گران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

کشور توطئه‌گر	شواهد توطئه‌گری
بریتانیا	معاهده سایکس پیکو، شیوع بیماری وبا و مالاریا بعد از جنگ جهانی دوم، دخالت در جنگ عراق.
رژیم صهیونیستی	مقابله با ناسیونالیسم عربی، مهار بنیادگرایی اسلامی، جلوگیری از نفوذ کمونیسم، درگیری با جنبش‌های اسلامی در لبنان، اردن و یمن، اقداماتی برای کنترل زاد و ولد فلسطینی‌ها، حادثه یازده سپتامبر، دخالت در جنگ عراق.
آمریکا	نقش آمریکا در شکست جمال عبدالناصر در جنگ شش روزه، تلاش سال ۱۹۵۷ به منظور منحرف کردن جریان رود نیل به سمت دریای سرخ، تغییر پرچم عراق در اوایل سال ۲۰۰۸.

۲-۳-۴- توطئه باوران در تئورهای توطئه خاورمیانه عربی

الف: نخبگان سیاسی

تحلیل‌های توطئه باورانه درباره حوادث گوناگون در میان اقشار مختلف از جمله سیاستمداران، نخبگان سیاسی، چهره‌های مذهبی، روشنفکران و روزنامه نگاران خاورمیانه عربی مشاهده می‌شود (۱۰۴- Pipes, ۱۰۳:۱۹۹۸). این پدیده به شکل فراگیر در عرصه‌های مختلف سیاسی از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، اعلامیه و ابلاغیه‌های رسمی کشورهای عربی در رسانه‌های گروهی آنها به کرات بیان می‌شود (Pipes, ۱:۱۹۹۸-۳). این گونه تحلیل‌ها در شرایط و اوضاع بحرانی جوامع غیر دموکراتیک در میان حاکمان و نخبگان سیاسی بیشتر دیده می‌شود که نمونه‌های بارز آن در جریان حرکت‌های انقلابی و اعتراضی در کشورهای عربی نظیر مصر، لیبی، یمن، بحرین، تونس و... به وضوح پیداست (Eisa, ۲۰۱۰). از جمله توطئه باوران نخبه سیاسی عرب می‌توان به کسانی چون حافظ اسد، صدام حسین، معمر قذافی، علی عبدالله صالح، حکام بحرین و... اشاره کرد ذهنیت توطئه باورانه در بسیاری مواقع زمینه را برای انجام توطئه فراهم می‌کند. نمونه روشن در این باره سال ۱۹۷۹ میلادی است. زمانی که صدام حسین به دنبال بهانه ای برای پاکسازی حزب بعث از رقبا و دشمنان احتمالی بود، اعلام داشت در حزب ما خائنینی وجود دارد و در پی آن بیست نفر از اعضای حزب بعث را اعدام کرد. وی در ذهن توطئه باورانه خود از طرفی همچون توطئه تصادف ماشین یا سانحه‌های هوایی بهره می‌جست. صدام حسین افراد بسیاری همچون عدنان خیرالله را به این طریق از میان برداشت و به هلاکت رسانید (۱۸۰:۱۹۹۸ Pipes).

یکی از افراد توطئه باور در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق)، حافظ اسد بود. او در اظهاراتش از کلمات و اصطلاحات مربوط به تئوری توطئه زیاد استفاده می‌کرد. برای نمونه حافظ اسد به دلیل افکار توطئه باورانه‌ای که داشته، برادر خود را عامل آمریکا می‌دانست. مصطفی طلاس، وزیر دفاع اسبق سوریه، معتقد بود که توطئه گران «داگ ها مرشلد» را ترور کردند و آنان انقلاب‌هایی همچون فرانسه و روسیه را پدید آوردند. از نظر او فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ناشی از توطئه توطئه گران بوده است (۱۰۴:۱۹۹۸).

Pipes, در رمضان سال ۱۹۹۰ میلادی حافظ اسد بیان داشته که ما در جامعه مان با خطر توطئه روبرو هستیم» و چند روز بعد همتای موریتانی او در جشن عید فطر، هوشیاری تعدادی از شهروندان را نسبت به دسیسه های پست عده ای از توطئه گران ستود (Pipes, ۳:۱۹۹۸) در اظهارات سرهنگ معمر قذافی، حاکم سابق لیبی نیز می توان شواهدی از تحلیل های توطئه باورانه را مشاهده کرد. از نظر او توطئه گران غربی با به قدرت رساندن عده ای از رهبران مزدور در برخی کشورها سعی بر استفاده از روش های توطئه آمیز دارند. قذافی معتقد بود، کمونیست ها و برخی از افراد اخوان المسلمین علیه انقلاب لیبی در حال تباری و توطئه بوده اند (Pipes, ۱۷۷:۱۹۹۸-۱۷۸). او همواره به منظور تجدید حیات و تقویت قدرت خود از تئوری توطئه سود می جسته است. انتشار سه مقاله متوالی در سال ۱۹۹۲ میلادی در روزنامه دولتی الجماهیر که در آن سرهنگ قذافی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود، نمونه واضح در این باره است. این مقالات از جانب خود قذافی و با هدف انحراف کشیدن اذهان چاپ شده بود. قذافی همانند بسیاری از سیاهپوستان آمریکایی به این باور داشت که ویروس ایدز ساخته و پرداخته سازمان سیا بوده و این مهم که ویروس از میمون های آفریقایی به انسان منتقل می شود را تکذیب می کرد (Ghaffari Hashjin, ۱۳۸:۲۰۰۱) به نظر برخی، جمال عبد الناصر رئیس جمهور اسبق مصر، ذهنیت توطئه باور داشته است. او اعتقاد داشته که قدرتهای خارجی به دنبال توطئه هایی برای برکناری او هستند و تمام سعی خود را می کنند تا مانع پیشرفت مصر شوند (Singerman, ۲۹:۲۰۰۲-۳۵). به نظر گری، جمال عبد الناصر همواره بر این نکته تأکید داشته که می توان دست پنهان موجود در پشت حوادث مصر را افشا کرد. از نظر وی، آمریکا همیشه به دنبال منافع رژیم صهیونیستی و بریتانیا بوده است (Gray, ۵۳:۲۰۱۰).

عمر البشیر رئیس جمهور سودان درباره اعلامیه شورشیان دارفور بیان کرده که این اعلامیه از جانب یهودیان طرح ریزی شد تا سودان را جدا کرده و منابع آن را غارت کنند. از دیدگاه یک نویسنده سودانی «دروغ های بیان شده از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی در دارفور بخشی از توطئه این رژیم به منظور کنترل بر حوزه رود نیل تا رودخانه فرات بوده است» (Stalinsky, ۲۰۰۷).

ب: سایر افراد

همان طور که بیان شد توطئه باوری در میان اقشار مختلف خاورمیانه عربی دیده می شود. البته میزان مقبولیت این گونه تحلیل ها در میان اهل فکر و اندیشه کمتر بوده و آنان به این گونه تحلیل ها با شک و تردید نگاه می کنند. ولی سایر اقشار جامعه به دلیل عدم جریان اطلاع رسانی شفاف و برخورداری از سطح پایین فرهنگ سیاسی، به این گونه تحلیل ها اقبال بیشتری نشان داده و در فهم وقایع سیاسی و تاریخی پیرامون خود از این گونه تفکر غیر عقلانی بیشتر بهره می گیرند (Pipes, ۱۰:۱۹۹۸). به طور کلی این گونه تفکر در خاورمیانه عربی در میان بخش وسیعی از جمعیت وجود داشته و آنها وقایع مختلف دنیای عرب را ناشی از دسیسه و توطئه بیگانگان می دانند که البته این باور در میان مردم کشورهای چون عراق،

سوریه و اردن بسیار متداول است (Pipes, ۵:۱۹۹۸-۶) توطئه باوری در میان افراد غیر حاکم عربی از اقشار مختلف دیده می‌شود. برای مثال در آثار نویسندگان و فیلم سازان مضامین توطئه دیده می‌شود (۲۹- Gray, ۲۶:۲۰۱۰) و این گونه ادبیات در بین بسیاری از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی کشورهای عربی مثل سوریه رواج دارد (Abdel Salam, n. d: 98). در برخی از این گونه تحلیل‌ها، افراد بر این باورند که حکومت سوریه از دهه ۱۹۹۰ دستش با رژیم صهیونیستی در یک کاسه است (Pipes, ۱:۱۹۹۸) پل تیلور در گزارشی برای رویترز در آوریل سال ۲۰۰۳ می‌نویسد که «اعراب و مسلمانان به آنچه که اتفاق افتاده باور ندارند و روزهای آتی این مسئله را برای آنها بیشتر آشکار می‌کند». به بیان مغازه داری عربی «اینکه صدام حسین کشته شده باور کردنی نیست. او به احتمال زیاد در مکانی که تنها برای آمریکایی‌ها شناخته شده است، نگهداری می‌شود. بسیاری از عراقی‌ها و حتی سایر اعراب در تحلیل‌های توطئه باورانه خود، دست پنهان آمریکا را در این حادثه می‌بینند (Horner, ۸۹:۲۰۱۱). برخی از تحلیل گران عرب به عنوان نمونه گسترش صنعت گردشگری در مصر را از این زاویه تجزیه و تحلیل کرده و معتقدند که گردشگران در مصر به دنبال اهدافی چون گسترش فساد و فحشا، شیوع ویروس ایدز و جاسوسی برای سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه هستند (Pipes, ۱۷۶:۱۹۹۸)

ناپدید شدن امام موسی صدر از نمونه های دیگر تئوری‌های توطئه متناقض در خاورمیانه عربی است. مثلاً رژیم قذافی برای فرافکنی و تیرنه خود در این باره توطئه گران دخیل در این حادثه را شامل جاسوسان آمریکایی، سازمان تروریستی آلمان، سازمان جاسوسی ایتالیا، رژیم صهیونیستی و آمریکا را معرفی کردند که دست به دست هم داده اند تا به رابطه لیبی با کشور انقلابی ایران و همچنین یاسر عرفات ضربه بزنند. در مقابل در برخی تحلیل‌ها این طور عنوان شد که امام موسی صدر قربانی توطئه اعراب شده و در اسارت آنهاست (Pipes, ۱۱۳:۱۹۹۸-۱۱۴). برای بیان بهتر می‌توان شواهدی از توطئه یاوران در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی و ویژگی‌های آنان را در قالب جدول شماره ۳ ارائه کرد.

جدول شماره ۳: شواهدی از توطئه با واران
در تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی و ویژگی‌های آنان:

توطئه‌باوران	مصادیق توطئه‌باوران	ویژگی‌های توطئه‌باوران
نخبگان سیاسی	حکام و روسای جمهور عربی نظیر: حافظ اسد، صدام حسین، معمر قذافی، جمال عبدالناصر و ...	- توسل به تکه پاره‌هایی از شواهد نامطمئن و دفاع غیرمنطقی از آنها؛ - تحلیل غیرواقع‌بینانه از نقش‌آفرینی نیروهای قدرتمند در حوادث بر اساس شواهد نامعقول؛
سایر افراد	نویسندگان، فیلم‌سازان، روزنامه‌نگاران و برخی فعالان سیاسی	- ارائه تبیین‌های تک‌علتی مبتنی بر توطئه غیرقابل نقد و ارزیابی سریع؛ - خلق سناریوهای مبتنی بر نقش دست‌های پشت‌پرده و نگرش پارانویدی؛ - اظهار عجز و ناتوانی در برابر نیروهای میبایی که خود خلق کرده؛ - عدم پذیرش شواهدی که تئوری او را در هم بریزد؛ - تمسک به شواهد پراکنده و بیش از حد جلوه دادن آنها؛ - بر خورداری از ذهن از پیش ساخته، متصلب و انعطاف‌ناپذیر.

۳-۳-۴- مبانی و مفروضات تئوری‌های توطئه خاورمیانه عربی

علاوه بر مبانی و مفروضات تئوری توطئه که در بخش اول مقاله و شکل شماره ۱ ذکر شد، از جمله مبانی و مفروضاتی که برای این گونه تحلیل‌ها در خاورمیانه عربی می‌توان بیان کرد و ابتدا در این باره به کلمات و عبارت‌های نشانگر این گونه تحلیل‌ها در مطبوعات و رسانه‌های این کشورها اشاره کرد. در این تحلیل‌ها از کلماتی نظیر توطئه امپریالیسم، جنایت رژیم صهیونیستی، استعمار غرب، خیانت به انقلاب، دشمنان، خائنان، مزدوران، نوکران، توطئه گران و... در رسانه‌های جمعی و گفتارهای سیاسی زیاد استفاده می‌شود (Pipes, ۴۴:۱۹۹۲). در این گونه اظهار نظرها چنین گمان می‌رود که نیروهای خارجی همواره منتظرند تا در اولین فرصت بر جهان عرب حمله کرده و یا به آنها خنجر زنند. این حملات معمولاً با هدف نابودی وحدت اعراب، تضعیف اقتصاد ملی، کاهش توان نظامی اعراب، کم کردن قدرت منطقه و حتی حمله به دولتهای عرب صورت می‌گیرد. در این گونه تحلیل‌ها جهان به دو قطب دنیای عرب و دنیای غرب تقسیم بندی می‌شود. برخی از مستشرقین وجود تقسیم بندی دو مفهوم دارالاسلام و دارالکفر را شاهد بر این قطب بندی می‌دانند و در تحلیل‌های خود تا آنجا پیش می‌روند که حتی موضوع شیوع بیماری آنفولانزای مرغی را ناشی از دسیسه و توطئه آمریکا و اروپا می‌دانند از (Abdel Salam, n. d: 90). جمله مبانی تئوری‌های توطئه، اتکا و استناد به مجموعه‌ای از اطلاعات دروغ، خرافاتی و شایعات است. این گونه اطلاعات بی‌اساس در قالب تحلیل‌های توطئه باورانه به شکلی جلوه داده می‌شود که تشخیص اطلاعات واقعی و معتبر از داده‌های دروغ و غیر معتبر امکان‌پذیر نیست. لذا این مسئله منجر به گیجی و سردرگمی

افراد در کسب اطلاعات درست از وقایع منطقه می‌شود (Pipes, ۱۹:۱۹۹۸-۲۰). تحلیل گرانی چون عبد السلام معتقدند که بر خلاف تفکر علمی که مبتنی بر منطق، روابط علی و معلولی، مشاهده، تجربه بوده و بر چهار چوبی از روش و نظریه متکی است، این گونه تفکر در دنیای عرب چندان حاکم نیست. به جای آن تفکر غیر علمی و توسل به خرافات، افسانه و شایعه رواج دارد. از این رو در تجزیه و تحلیل‌های وقایع و حوادث به توطئه اندیشی و اعتقاد به طرح و نقشه‌های پنهانی توطئه گران در اداره جهان در خاورمیانه و دنیای عرب بسیار متداول است (Abdel Salam, n. d: 89).

۵- تجزیه و تحلیل

همان طور که بیان شد توطئه به عنوان یک عمل عینی در عرصه سیاست و تصمیم‌گیری‌های سیاسی غیرقابل انکار است و با تئوری توطئه به عنوان یک چارچوب و روش تجزیه و تحلیل تک علت حوادث و وقایع تفاوت دارد. تئوری توطئه تقریباً پدیده‌ای فراگیر و جهانی است و این گونه تحلیل‌ها در فرهنگ سیاسی جوامع مختلف از جمله کشورهای خاورمیانه وجود دارد.

بنا به تعبیری مطالعه خاورمیانه و کشورهای عربی بدون توجه به تئوری توطئه شبیه مطالعه اقتصاد کشور آمریکا بدون توجه به نقش وال استریت و بررسی سیاست اتحاد جماهیر شوروی بدون توجه به مکتب مارکسیسم-لنینیسم است. این گونه تجزیه و تحلیل‌ها درباره مسائل و حوادث کوچک و بزرگ این منطقه مشاهده می‌شود و می‌توان شواهدی از آن را از مسائل خصوصی زندگی افراد گرفته تا حرکت‌های انقلابی و بیداری اسلامی اخیر بویژه در بخش عربی این منطقه ملاحظه کرد.

از جمله کسانی که در زمینه تئوری توطئه در خاورمیانه کار کرده‌اند، می‌توان به دانیل پایپس، گراهام فولر، ماروین زوئیس، متیو گری، ال. کارل برون و سایرین اشاره کرد، که هر کدام دلایلی را برای رشد و رواج این پدیده در این منطقه حساس و مهم ذکر کرده‌اند. برخی از این صاحب‌نظران معتقدند که بر خلاف تفکر علمی که مبتنی بر منطق، روابط علی و معلولی، مشاهده، تجربه بوده و بر چهارچوبی از روش و نظریه متکی است، این گونه تفکر در دنیای عرب چندان حاکم نیست. به جای آن تفکر غیر علمی و توسل به خرافات، افسانه و شایعه رواج دارد. از این رو در تجزیه و تحلیل‌های وقایع و حوادث به توطئه اندیشی و اعتقاد به طرح و نقشه‌های پنهانی توطئه گران در اداره جهان در خاورمیانه و دنیای عرب بسیار متداول است از جمله نکاتی که درباره این گونه تحلیل‌ها در ادبیات سیاسی خاورمیانه عربی و در مطبوعات و رسانه‌های این کشورها قابل مشاهده است، استفاده از کلمات و عبارات خاصی در این گونه تحلیل‌ها نظیر توطئه امپریالیسم، دست‌های پنهان، استعمار غرب، خیانت، دشمنان، خائنان، مزدوران، نوکران، توطئه گران و... است. در این گونه اظهار نظرها چنین گمان می‌رود که نیروهای خارجی همواره منتظرند تا در اولین فرصت بر جهان عرب حمله کرده و یا به آنها خنجر زنند. این حملات معمولاً با هدف نابودی وحدت اعراب، تضعیف اقتصاد ملی، کاهش توان نظامی اعراب، کم کردن قدرت منطقه و حتی حمله به

دولت های عرب صورت می گیرد در این گونه تحلیل ها جهان به دو قلب دنیای عرب و دنیای غرب تقسیم بندی می شود. برخی در تحلیل های خود تا آنجا پیش می روند که حتی موضوع شیوع بیماری آنفولانزای مرغی را ناشی از دسیسه و توطئه آمریکا و اروپا می دانند. و از جمله ویژگی های تئوری های توطئه، اتکا و استناد به مجموعه ای از اطلاعات دروغ، خرافی و شایعات است. این گونه اطلاعات بی اساس در قالب تحلیل های توطئه باورانه به شکلی جلوه داده می شود که تشخیص اطلاعات واقعی و معتبر از داده های دروغ و غیر معتبر امکان پذیر نیست. لذا این مسئله منجر به بروز ابهام و سردرگمی برای افراد در کسب اطلاعات درست از وقایع منطقه می شود.

با توجه اهمیت استراتژیک خاورمیانه و موقعیت ژئوپلیتیک خاص آن، این منطقه همواره مورد توجه و عرصه رقابت های قدرت های جهانی بوده است. این گونه قدرت ها برای رسیدن به منافع و ادامه سلطه خود بر این منطقه به انواع شگردها و توطئه های واقعی متوسل شده اند. چنین عملکرد استعماری و سلطه طلبانه آنها موجب تقویت ذهنیت منفی نسبت به این قدرت ها شده به حدی که حتی در موادی که توطئه ای در کار نبوده است، وقایع و اتفاقات دیگر نیز در چارچوب تئوری توطئه مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. به عبارت دیگر می توان دخالت ها و رقابت ها و توطئه های واقعی کشورهای نظیر بریتانیا، آمریکا، رژیم صهیونیستی را به عنوان مهمترین عامل رشد و رواج تئوری های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی محسوب کرد که البته در کنار این عامل سایر عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به نوبه خود مؤثر بوده است. از این گونه تحلیل ها به عنوان ابزار برای رسیدن به مقاصد و اهداف سیاسی نیز استفاده می شود.

بر این اساس سیاستمداران با ایجاد دشمن فرضی و با تبلیغات گسترده در این باره و مقصر جلوه دادن این گونه دشمنان در ارتباط با حوادث و مشکلات برای سرپوش گذاشتن به ضعف ها و مشکلات موجب انحراف اذهان و جهت دهی به افکار عمومی در جهت منافع و مقاصد خود می شوند. در همین راستاست که در جریان وقایع و حوادث مهم کشورهای عربی از جمله جریان بیداری اسلامی در منطقه به این گونه تحلیل ها متوسل می شوند. آنچه که مسلم است این گونه تحلیل ها ناشی از عدم درک و تحلیل درست اوضاع سیاسی و بین المللی و ناشی از تحریف حقایق و مخدوش کردن اذهان و افکار عمومی برای ادامه سلطه و نفوذ حاکمان دست نشانده است.

نتیجه گیری

هدف از مقاله حاضر بررسی و شناخت جایگاه، ارکان و شواهدی از تجزیه و تحلیل های توطئه باورانه در فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه بویژه فرهنگ سیاسی سوریه و عراق بود. در این باره سه سوال مطرح و سعی شد به آنها پاسخ داده شود. در پاسخ به سوال اول به تعریف مفهوم فرهنگ سیاسی و همچنین به تعریف تئوری توطئه به عنوان مؤلفه مهمی از فرهنگ سیاسی اشاره شد. بر اساس تعریف ارائه شده از

تئوری توطئه به عنوان چارچوب تک علتی تحلیل وقایع و حوادث، ارکان سه گانه آن یعنی توطئه گران، توطئه باوران و مبانی و مفروضات توطئه باوری با بیان مصادیق اشاره شد. در پاسخ به سوال دوم مبنی بر اینکه تئوری‌های توطئه در فرهنگ سیاسی کشورهای خاورمیانه عربی چه جایگاهی داشته، ارکان و علل رشد و رواج آن چیست؟ ابتدا مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) همچون استبداد، بی اعتمادی، بیگانه ستیزی، فردمحوری و تئوری توطئه توضیح داده شد و سعی گردید ضمن اشاره به علل این پدیده از نگاه صاحب نظران آن تشریح شود. در پاسخ به سوال سوم مبنی بر اینکه «ارکان تئوری‌های توطئه در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) کدامند؟» با توجه به ارکان سه گانه مذکور برای تئوری‌های توطئه، سعی شد به تعدادی از توطئه گران با این منطقه با ذکر شواهد اشاره شود. در این باره این نتیجه حاصل شد که آمریکا، رژیم صهیونیستی و بریتانیا از جمله توطئه گران اصلی در تحلیل های توطئه باورانه منطقه خاورمیانه و بخش عربی آن محسوب می‌شوند. درباره مصادیق توطئه باوران نیز به شواهد گوناگونی در بین نخبگان سیاسی و سایر افراد و همچنین به مبانی تحلیل و مفروضات خاص این گونه تئوری‌های توطئه اشاره شد.

References

1. Abdel Salam, Mohamed (n. d.), The Modes of Arab Conspiracy Theories Available at: www.Arabinsight.com.
2. Alkhazen, Gahad (2010); Nazariyya Almoamera, Available at: http://www.albaathmedia.sy/index.php?option=com_content&view=article&d=28115&catid=49:2009-08-06-09-05-29&Itemid=122 [In Arabic].
3. Bartaran, Badi (1997); Political Development, translated by: Ahamd Naghibzadeh, Tehran: Ghoumes Publications [In Persian].
4. Bigdeli, Ali (1899); Political and Economic History of Iraq, Mirase Mellal Institute. Tehran: Sazman-I Chap Khajeh Publication [In Persian]
5. Chehabi, Houchang E (2009); The Paranoid Style in Iranian Histography, from Atabaki, Touraj. Iran in the 20th century: histography and political culture, London: i. b. tauris & Co Ltd.
6. Eisa, Khalil (2010); Alehteigagat-I Alarabe-ye Mostamerah, Available at : www.al-akhbar.com/node/15966 [In Arabic].
7. Ghaffari Hashjin, Zahed (2001); Conspiracy Theory; a Pervasive and Global phenomena, Daneshvar Bimonthly, Winter 2001, No. 36. Pp. 131-140 [In Persian].
8. Ghaffari Hashjin, Zahed (2002); Way of thinking based on Conspiracy fertility :foundations and origins, Journal of Political economic Information, No. 179-180. Pp. 48-61 [In Persian].
9. Ghaffari Hashjin, Zahed (2005); Conspiracy theory in contemporary political culture of Iran; From the Constitutionalism to the Islamic Revolution, Tehran: Surush Publicatins [In Persian].
10. Ghalandari, Fatemeh Zahra (2011); Conspiracy Theory in the political culture of the Arabic Middle East, Master's thesis, Shahed University [In Persian].
11. Gheisas, Feras (2010); Hal Satohzamo Nazariyya Almoamera fi Maarekah Alsorat-I Alarabiah ,Available at: http://www.pydrojava.com/index.php?option=com_content&view=article&id=4170:2011-06-25-10-05-49&catid=86:2010-09-13-14-42-02&Itemid=200 [In Arabic]
12. Gray, Matthew (2010); Conspiracy Theories in the Arab World: Sources and Politics, Routledge.
13. Gray, Matthew (2011); A Cultural Sense of Conspiracies? The Concept of Rumor as Propaedeutics to Cospiracism, From Graf Arndt, Paul Ludwig & Fathi Shirin (2011), Orientalism & Conspiracy: Politics And Conspiracy Theory In The. Hafeznia, Mohammad Reza et al. (2010).
14. Functions of geopolitical discourse14. of Imaginary enemy, Geopolitics Quarterly. Vol. 6, No. 2 [In Persian]
15. Hamadeh, Vassam (2012); Ethnic tensions in Lebanon and Washington Plotting. Available at: <http://www.inn.ir/newsdetail.aspx?id=107570> [In Persian].

16. Horner, Karin (2011); Political Culture, Pplitical Dynamics and Conspiracism in the Arab Middle East, From Graf Arndt, Paul Ludwig & Fathi Shirin (2011), Orientalism & Conspiracy: Politics And Conspiracy Theory In The Islamic World, London: i. b. tauris & Co Ltd.
17. Javdani Moghadam, Mahdi (2012); Modern geopolitics of Shiite in the Middle East and foreign policy of the Islamic Republic of Iran, Geopolitics Quarterly ,Vol. 8, No. 2. [In Persian].
18. McConnachie, James & Robin Tudge (2008); The Rough Guide To Conspiracy Theories, London. Rough Guides Ltd.
19. Mosallanejad, Abbas (2007); Political Culture of Iran, Tehran: Farhang-e Saba Publications[In Persian].
20. Mottaghi, Ebrahim (2008), Geopolitical stasis and Soft equilibrium, Case Studies: The Middle East in the years 2001-9, Geopolitics Quarterly, Vol. 4, No ۱ In Persian].
21. Noroozi, Nasrallah (1996); Personal power stracture and the collapse of the Pahlavi regime, Rahbord Quarterly, Spring No. 9[In Persian].
22. Obeidi, Amal (2001); Political culture in Libya, Routledge.
23. Pipes , Daniel (1992); Dealing With Middle East Eastern Conspiracy TheoriesOrbis, Winter
24. Pipes, Daniel (1994a); Middle East Mischief, September 1994, Aavailable at<http://www.danielpipes.org/253/middle-eastemischieft>.
25. Pipes, Daniel (1994 b): The Paranoid Style in Mideast Politics, Washington Post November 6. Available at: <http://www.danielpipes.Org/259/the-paranoid-style-in-mideast-politics>.
26. Pines Daniel (1997): Conspiracy: how the paranoid style flourishes and where itcomes from, New York: free press.
27. Pipes, Daniel (1998): The Hidden Hand: Middle East Fears of Conspiracy, New York: martin's press.
28. Pipes, Daniel (1999); Egypt Air Probe uncovers Anti-Americanism. Wall street journal, November 24, <http://www.danielpipes.org/322/egyptair-uncovers-antiamericanism>.
29. Pipes, Daniel (2010); Conspiray Theories Keep Polio Alive, June 2, Available at: <http://www.danielpipes.org/blog/2004/01/conspiracy-theories-keep-polioalive>.
30. Rich, Paul (1991); The Invasion the Gulf: Radicalism, Ritualism and the shaikhs, Cambridge: Allborough press